

۳ نکته‌ای که باید در مورد یونس بدانید

ویلیام بوکستین

ماجرای یونس یکی از آشناترین داستان‌های کتاب مقدس است. اگر از هر کودکی در کلیسا درباره‌ی آن پرسید، پاسخ روشنی خواهید گرفت. اما اگر همین سؤال را درباره‌ی سایر انبیای صغیر، مانند حبقوق، پرسید، احتمال دریافت پاسخ کمتر خواهد بود. با این حال، اگرچه کتاب یونس به یادماندنی است، اما لزوماً به درستی درک نشده است. نبی نافرمان و ماهی بزرگ، نقطه‌ی تمرکز اصلی داستان نیستند. بلکه این کتاب—که با یک پرسش پایان می‌یابد—ما را دعوت می‌کند تا درباره‌ی معنای زندگی خود در پرتو جلال و فیض خدا تأمل کنیم.

۱. داستان یونس درسی است درباره‌ی پیروی مطیعانه از خدا.

یونس نمونه‌ای است از چگونگی نافرمانی از خدایی که باید از او اطاعت کرد. این کتاب، خداوند را به عنوان حاکم مطلق معرفی می‌کند. او پیشنهاد نمی‌دهد، بلکه فرمان می‌دهد. حتی دریانوردان غیراسرائیلی نیز قدرت مطلق خدا را تصدیق کرده و گفتند: «زیرا تو ای خداوند هر چه می‌خواهی می‌کنی» (یونس ۱: ۱۴). خدا قاطعانه عمل می‌کند؛ «خداوند باد شدیدی بر دریا وزانید» (یونس ۱: ۴)، «و اما خداوند ماهی بزرگی پیدا کرد» (یونس ۱: ۱۷). داستان کاملاً تحت کنترل خدا است.

فرمان‌های خدا واضح‌اند. او با دستوری ساده به یونس می‌فرماید: «برخیز»، «برو»، «ندا بده». یونس نافرمانی نکرد به این دلیل که اطلاعات کافی نداشت، عجله داشت، و یا تحت فشار خارجی بود، بلکه به سادگی نمی‌خواست اطاعت کند، و سرپیچی او موجب مصیبت شد. ما نیز با سرکشی خود، برکت خدا را رد می‌کنیم و مجازات او را به سوی خود فرا می‌خوانیم.

اما در حالی که اطاعت، نشانه‌ای از ایمان واقعی است، تسلیم شدن باید از قلبی سرشار از محبت به خدا سرچشمه بگیرد. یونس به اعتبار مذهبی خود می‌بالید و سخنان الهیاتی درستی بر زبان می‌آورد، اما ترس او از خدا صادقانه نبود (یونس ۱: ۹). در قلب خود و با اعمالش، او از حضور خداوند فرار می‌کرد (یونس ۱: ۳-۱۰). یونس از لحاظ روحانی بیمار بود. از دعای به ظاهر عادل‌گرایانه، اما خودستایانه‌ی او در شکم ماهی تا خشم کودکانه‌اش در پایان کتاب، یونس به همان تغییر قلبی نیاز داشت که احیای نینوا را رقم زد.

اطاعت باده‌ها، امواج، گیاهان، حیوانات، و حتی غیرایمانداران، در تضاد کامل با نافرمانی این نبی است. این داستان، هشدار برای ماست.

۲. یونس یک راهنمای خدمتی است.

این نکته هم بدیهی و هم شگفت‌آور است. داستان یونس درباره‌ی خدمت خدا است. دلیل فرستادن یونس به نینوا، ترحم خدا به گمشدگان بود تا آنان را از خشم آینده‌اش آگاه سازد (یونس ۴: ۲، ۱۱). اما به نظر می‌رسد که خدا مبلغ اشتباهی را انتخاب کرده بود! تقریباً هیچ چیز در یونس نمونه‌ای از یک خادم الهی نیست—اما به نظر می‌رسد که همین نکته، محور داستان است. بی‌میلی یونس در انجام مأموریت، باید خوانندگان کتاب او را به این درک می‌رساند که «نور اَمّت‌ها» به سختی قابل مشاهده بود (اشعیا ۴۹: ۶). آندسته از ما که رحمت خدا را چشیده‌ایم، باید مشتاق باشیم که این پیام را با دیگران به اشتراک بگذاریم.

مهم‌تر از همه، شکست یونس ثابت می‌کند که او قهرمان خدمت نیست؛ بلکه خدا هست. بی‌میلی یونس در بشارت، اسرائیل را آماده کرد تا انتظار نبی بزرگ‌تری را داشته باشد که با میل و رغبت «گمشده را بجوید و نجات بخشد» (لوقا ۱۹: ۱۰). تنها مسیح می‌تواند وعده‌ی خدا را برای برکت دادن «جميع قبایل جهان» تحقق بخشد (پیدایش ۱۲: ۳). احیای نینوا، مقدمه‌ای بر پنطیکاست و رهایی اَمّت‌ها از چنگال شیطان بود.

به خاطر عطیه‌ی وصف‌ناپذیر خدا در مسیح، روزی «ده‌ها هزار بار ده هزار و هزاران هزار» نجات‌یافته، در وصف ارزش بی‌همتای بره‌ای که ذبح شد، سرود خواهند خواند (مکاشفه ۵: ۱۱-۱۲). حقیقتاً «نجات از آن خداوند است» (یونس ۲: ۹).

یونس قلب پرمحبت خدا را نسبت به گمشدگان آشکار می‌کند. اما این را نه به خاطر فضیلت خود، بلکه به عنوان نمادی از مسیح انجام می‌دهد. به یونس توجه کنید، نه به این دلیل که او الگویی از خداپرستی است، بلکه به این دلیل که ما، مانند او، به مسیحی نیاز داریم که او را به تصویر می‌کشد.

۳. یونس تصویری از مسیح است.

وقتی مخالفان از عیسی نشانه‌ای خواستند تا هویت خود را اثبات کند، او نسل خود را به یونس ارجاع داد (متی ۱۲: ۳۹). عیسی نقطه‌ی محوری داستان یونس را به عنوان تصویری از مرگ و رستاخیز خود تفسیر کرد.

یونس به طور نمادین مرد، زیرا ملوانان معتقد بودند که با پرتاب او به دریا، او را قربانی می‌کنند (یونس ۱: ۱۴). او نباید از «طوفان سهمگینی» که کشتی را تهدید به شکستن می‌کرد یا اقامت سه‌روزه‌اش در شکم ماهی جان سالم به‌در می‌برد (یونس ۱: ۴). ماهی، قبر آبی یونس بود. بیرون آمدن او از شکم ماهی، نمادی از تولد جدید او شد.

یونس قدیمی—کسی که از غیریهودیان متنفر بود و راحت‌طلبی خودخواهانه را می‌خواست—نماد «انسان کهنه» است (افسیان ۴: ۲۲). یونس جدید—که همچنان ناقص بود—نماد «شخص جدید» است (افسیان ۴: ۲۳-۲۴). عیسی نیز خواهد مرد و برخاست. اتحاد با او، تنها راهی است که ما را به مخلوقات جدید تبدیل می‌کند و به پاداش خدا وارد می‌سازد (رومیان ۶: ۸).

مرگ و رستاخیز نمادین یونس، پیام توبه‌ی او به نینوا را نیز معتبر ساخت. ما حتی کمتر از نینوایی‌ها بهانه‌ای برای عدم پاسخگویی به انجیل عیسی داریم:

«مردم نینوا در روز داوری با این طبقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهند کرد، زیرا که به موعظه یونس توبه کردند، و اینک، در اینجا کسی بزرگ‌تر از یونس است» (لوقا ۱۱: ۳۲).

یونس درباره‌ی عیسی است (لوقا ۲۴: ۴۴-۴۷). تنها در مسیح است که ما اطاعت لازم برای ایستادن در حضور خدا را می‌یابیم و در اوست که کمک می‌یابیم تا راه خداپسندانه‌ی خود را آغاز کنیم. در او، محبت خدا را تجربه می‌کنیم که به تنهایی می‌تواند ما را نسبت به محبت کردن ما به دیگران برانگیزد..

این مقاله بخشی از مجموعه «هر کتاب از کتاب مقدس: ۳ نکته‌ای که باید بدانید» است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

کشیش ویلیام بوکستین، کشیش کلیسای مشارکت عمانوئیل در کالامازو، میشیگان است. او نویسنده یا نویسنده‌ی مشترک بسیاری از کتاب‌ها است، از جمله «آینده‌ی همه چیز»، «جلال فیض»، و «تمجید و لذت بردن از خدا: ۵۲ مراقبه از طریق پرسش و پاسخ‌های کوتاه وست‌مینستر».